

مبانی هزاره‌گرایی در مسیحیت

جواد قاسمی قمی*

چکیده

یکی از مفاهیم و آموزه‌های مرتبط با فرجام‌شناسی و موعودباوری مسیحی، مفهوم «هزاره» است که ریشه در کتاب مقدس دارد. این آموزه، گرچه در ادیان دیگری چون زرتشت هم نظایری دارد، در مسیحیت، هزاره‌گرایی در فضای آموزه کتاب مقدسی بازگشت نهایی مسیح معنا می‌یابد. اندیشه هزاره‌گرایی در بین مسیحیان جایگاه خاصی دارد، به طوری که بازتاب آن را می‌توان در جای‌جای تاریخ و الهیات مسیحی به روشنی پیدا نمود. هزاره‌گرایی در معنای عام به «انتظار برای یک نجات قریب‌الوقوع این جهانی» تعریف می‌شود که در مسیحیت با اعتقاد به دوره‌ای از حکمرانی عیسی مسیح بر جهان همراه است. این آموزه که شش‌بار در عهد جدید به معنای فوق آمده است، در واقع معادل نوعی آخرالزمان باوری است و در اناجیل، نامه‌های پولس، رساله دوم پطرس و مکاشفه یوحنا یافت می‌شود. اما معنای خاص «هزاره‌گرایی» که «حکومت هزارساله عیسی مسیح بر روی زمین» است، تنها در باب بیستم از آخرین کتاب عهد جدید، یعنی مکاشفه یوحنا آمده است. در این نوشتار، ضمن آشنایی اجمالی با مفهوم هزاره‌گرایی و انواع آن، بازتاب آن را در تاریخ و الهیات مسیحی جست‌وجو می‌نماییم.

واژگان کلیدی

مسیحیت، بازگشت مسیح، سلطنت هزارساله، مکاشفه یوحنا، پیشاهزاره‌گرایی، پساهزاره‌گرایی، ناهزاره‌گرایی.

مقدمه

مفهوم «دوره هزارساله»، از مفاهیم کلیدی و مرتبط با آموزه موعودگرایی است که در الهیات مسیحی در موضوعات فرجام‌شناسانه^۱ درباره آن به تفصیل سخن می‌رود. این اصطلاح که شش‌بار در عهد جدید و در کتاب مکاشفه به کار گرفته شده، در واقع از وضعیتی سخن می‌گوید که در تمام عهد جدید بارها توصیف شده و کتاب مکاشفه تنها زمان آن را معین کرده است.^۲ دوره هزارساله،

دوره زمانی را بیان می‌کند که در آن ایمان انجیلی و عظمت کلیسا به اوج خود می‌رسد و امت‌ها که دعوت دیانت انجیلی را می‌شنوند، به آن اقبال می‌کنند و ایمان می‌آورند.^۳

برخی از مفسران کتاب مقدس و الهی‌دانان مسیحی بر این باورند که دوره هزارساله از پدیده‌های آخرالزمان و از علایم ظهور بازگشت مسیح است و در حقیقت این دوره که هزار سال پیش از آمدن مسیح شروع می‌شود، با آمدن او پایان می‌یابد.^۴ آنان باور دارند در این هزار سال که شاید مراد از آن زمان طولانی باشد نه رقم هزار سال، دامنه شر به شدت کم شده، دست و پای شیطان بسته می‌شود و پس از آن مسیح می‌آید.^۵

برخی دیگر بر این باورند که این دوره با آمدن مسیح آغاز می‌گردد^۶ و بازگشت دوباره او سرآغاز شروع این دوره آرمانی برای دیانت مسیحی است. آنان ادعا می‌کنند که اگرچه مباحث آخرت‌شناسانه در کلیسای اولیه به صورت منظم و منسجم وجود نداشته، ولی بنابر آنچه از نوشته‌های اولیه مسیحی به چشم می‌آید، مسیح پیش از دوره هزارساله خواهد آمد.

جماعتی نیز هرگز دوره هزار سال را نپذیرفته‌اند. این جماعت تمام آنچه را که در کتاب مکاشفات یوحنا درباره این دوره آمده، به دوره هزارساله سکونت روحانی ایمان‌داران مسیحی در خارج از جسم خویش و در نزد مسیح تفسیر می‌کنند و یا آن را به فرمان‌روایی روحانی مسیح بر قلب ایمان‌داران و نه حکومت بر زمین تأویل می‌برند.^۷

به هر روی، همان‌گونه که دیدیم این آموزه باعث شده تا آرای تفسیری و تأویلی گوناگونی در بین اندیشمندان و گروه‌های مسیحی پدید آید که گاه الهیات و نوع برخورد آن‌ها با مسائل دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

مفهوم‌شناسی

واژه هزاره‌گرایی، ترجمه لفظ «Millenarianism» یا «Millennialism» یا «chiliasm» در زبان انگلیسی یا واژه‌های مترادف از دیگر زبان‌های اروپایی است. این واژه خود از Millennium که در اصل لاتین و به معنای «هزار» است، گرفته شده است. هریک از این اصطلاحات برگرفته از واژه‌هایی برای عدد هزار در لاتین «milleni» یا یونانی «chilioi» هستند و بر مفهوم به کار رفته در باب بیستم از کتاب مکاشفه یوحنا که حکومت هزارساله عیسی مسیح ﷺ بر روی زمین را پیش‌بینی می‌کند، دلالت دارند. امروزه هزاره‌گرایی را به دو معنای خاص و عام به کار می‌برند. در معنای عام، هزاره‌گرایی به «انتظار برای یک نجات قریب‌الوقوع در این جهان» تعریف می‌شود که در مسیحیت

همراه با اعتقاد به دوره‌ای از حکمرانی عیسی مسیح علیه السلام بر جهان است. این معنا که در واقع معادل آخرالزمان باوری است، بر کلیسای اولیه نیز قابل اطلاق است و در اناجیل چهارگانه، نامه‌های پولس، نامه دوم پطرس و مکاشفه یوحنا یافت می‌شود. اما معنای خاص هزاره‌گرایی عبارت است از «حکومت هزارساله عیسی مسیح علیه السلام بر روی زمین». هزاره‌گرایی به این معنای خاص را تنها می‌توان در باب بیستم از مکاشفه یوحنا به صراحت یافت و در باب 15 از رساله اول پولس به قرنتیان نیز فقط اشاره‌ای مبهم به آن شده است.

با این توضیحات در بخش بعدی به بیان جایگاه این آموزه در کتاب مقدس به عنوان مهم‌ترین متن دینی مسیحیان می‌پردازیم.

تصویر «هزاره» در کتاب مقدس

گفتیم که مفهوم «دوره هزارساله»، از مفاهیم کلیدی و مرتبط با آموزه موعودگرایی مسیحی است که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است.

در متون یهودی آپوکریفایی که ضمیمه‌های قانونی کتاب مقدس و عهد قدیم هستند، دوره حکومت مسیحا را با رقم‌های مختلفی ذکر کرده‌اند، که از جمله آن‌ها حکومت هزار ساله است. مثلاً در کتاب دوم اخنوخ (1:33) و کتاب یوبیلیس (27:23) این رقم هزار سال ذکر شده است. علت آن که رقم هزار سال در برخی متون کتاب مقدس ذکر شده است، تأویلی است که از هفته اول خلقت و روزهای آن به مثابه روزهای خداوند شده بود. بر اساس این تأویل، شش روز آفرینش زمین و آسمان، هر روزش معادل هزار سال و روز آخر که روز هفتم و فراغت از آفرینش بود، نیز هزار سال تاریخ جهان محسوب می‌شد. به همین مقیاس «روز خداوند» که روز نجات محسوب می‌شد، هزار سال تصور شد. از سوی دیگر، شباهت این رقم با هزاره‌های سوشیانت‌ها در دین زرتشتی، امکان اثرگذاری دین ایرانی زرتشت بر سنت یهودی را نیز مطرح می‌سازد.^۸ اما در مسیحیت، دوره هزارساله، دوره زمانی را بیان می‌کند که در آن ایمان انجیلی و کلیسا به اوج خود می‌رسد و امت‌هایی که دعوت دیانت انجیلی را می‌شنوند، به آن اقبال می‌کنند و ایمان می‌آورند.^۹

البته باید دانست نخستین نویسندگان عهد جدید، مسیحیت را به مثابه یک نهضت هزاره‌ای فهم نمی‌کردند، گرچه آنان آشکارا به حکومت یا پادشاهی خدا (و گاهی مسیح) ایمان داشتند و آن را به زبانی آخرالزمان باورانه بیان می‌کردند.^{۱۰} در بررسی اناجیل چهارگانه، کتاب اعمال رسولان و نامه‌های

پولس آشکار می‌شود که کلیسای اولیه مسیحی منتظر پایان قریب‌الوقوع جهان و بازگشت عیسی مسیح بود، اما یا اصلاً تمایزی بین پادشاهی آسمانی خداوند و پادشاهی زمینی مسیح وجود نداشت، یا اگر یک دوره بینابینی زمینی به نام پادشاهی مسیح وجود داشت، سخنی از طول این مدت به میان نمی‌آمد. اولین بار در آخرین کتاب *عهد جدید*، مکاشفه یوحناست که از حکومت هزارساله مسیح یاد شده است. درباره کتاب مکاشفه یوحنا باید گفت به عقیده بیش‌تر محققان، این کتاب در دوره تسلط امپراتوری روم و در حدود سال‌های 81 تا 96 میلادی که دوره آزار مسیحیان توسط رومیان بود، نوشته شده است. درباره نویسنده کتاب که نامش در خود آن هم آمده،^{۱۱} نظریه غالب این است که این شخص غیر از یوحنا حواری که فردی عامی بوده و نیز غیر از نویسنده انجیل چهارم و رساله‌های منتسب به یوحناست.^{۱۲} محتوای این کتاب، مشاهدات نویسنده آن از رؤیایی طولانی است که با زبانی سمبلیک به شرح وقایع آینده و در واقع وقایع آخرالزمان می‌پردازد. متن کامل باب بیستم از این کتاب که مورد بحث ماست، چنین است:^{۱۳}

1. و دیدم فرشته‌ای را که از آسمان نازل می‌شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است.
2. و ازدها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان است، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار سال در بند نهاد.
3. و او را به هاویه انداخت و در را بر او بسته مهر کرد تا امت‌ها را دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد و بعد از آن می‌باید اندکی خلاصی یابد.
4. و تخت‌ها دیدم و بر آن‌ها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که به جهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کرد.
5. و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید؛ این است قیامت اول.
6. خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر این‌ها موت ثانی تسلط ندارد بلکه کاهنان، خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با او سلطنت خواهند کرد.
7. و چون هزار سال به انجام رسد شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت.
8. تا بیرون رود و امت‌هایی را که در چهار زاویه جهانند یعنی جوج و ماجوج را گمراه کند و ایشان را به جهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست.
9. و بر عرصه جهان برآمده لشکرگاه مقدسان و شهر محبوب را محاصره کردند. پس آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته ایشان را بلعید.
10. و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی‌کاذب هستند و ایشان تا ابدآباد شبانه‌روز عذاب خواهند کشید.
11. و دیدم تختی بزرگ سفید و کسی را بر آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آن‌ها جایی یافت نشد.
12. و مردگان را خرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند و دفترها را گشودند. پس دفتری دیگر گشوده شد که دفتر حیات است و بر مردگان داوری شد به حسب اعمال ایشان از آن‌چه در دفترها مکتوب است.

13. و دریا مردگانی را که در آن بودند باز داد و موت و هادیس مردگانی را که در آن‌ها بودند باز دادند و هر یک به حسب اعمالش حکم یافت. 14. و موت و هادیس به دریاچه آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی دریاچه آتش. 15. و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد به دریاچه آتش افکنده گردید.

همان طور که دیدیم واژه «هزار سال» در آیات 2 تا 7، شش بار تکرار شده است. در این آیات سخن از زندانی شدن اژدها یا مار کهن توسط یک فرشته به مدت هزار سال است (2:20). این مار یا اژدها سمبل ابلیس یا اهریمن است و در طول این مدت که دوره پادشاهی مسیح است (5:20)، نمی‌تواند هیچ قومی را فریب دهد، اما پس از آن برای مدت کوتاهی آزاد می‌شود (3:20 و 7). پس از سپری شدن هزار سال حکومت مسیح، اژدها یا ابلیس آزاد می‌شود و قوم‌های گوگ و ماگوگ یا همان یاجوج و ماجوج را برای حمله به اورشلیم متحد می‌سازد، اما از آسمان توسط خدا آتش می‌بارد و آن سپاه بی‌شمار را نابود می‌سازد و ابلیس نیز در دریاچه آتش افکنده می‌شود و تا ابد در آن خواهد سوخت (7-10: 20). پس از آن، همه مردگان زنده می‌شوند؛ آن‌هایی که در داوری محکوم شوند همراه با مرگ در دریاچه آتش انداخته می‌شوند (14-15: 20) و رستگاران در زمین و آسمانی نو زندگی ابدی را از سر می‌گیرند (1:21). نویسنده مکاشفه، آشکارا به دو رستاخیز اشاره می‌کند؛ یکی هنگام شروع هزاره مسیح که پیروان او زنده می‌شوند و در آن پادشاهی شرکت می‌کنند؛ و دیگری هنگام رستاخیز همگانی که در پایان دوره هزاره ساله اتفاق می‌افتد.

ارتباط بازگشت نهایی مسیح و دوره هزاره

همان گونه که گفتیم پیش‌گویی‌های کتاب مقدس به صراحت بر امتداد دیانت مسیحی در همه عالم و غلبه آن بر همه دشمنان و موانع دلالت دارد، تا آن‌جا که اجمالاً قلوب انسان‌ها را تسخیر می‌کند و این مدت با شکوه هزار سال نامیده شده است.^{۱۴} بعضی معتقدند که آمدن دوباره مسیح^{۱۵} پیش از این مدت اتفاق می‌افتد؛ یعنی این هزاره با آمدن دوباره مسیح شروع می‌شود و مسیح در پایتختش، اورشلیم، پادشاهی می‌کند. البته این عقیده مورد پذیرش همه مسیحیان نیست. برخی دیگر معتقدند که آمدن مسیح بعد از هزار سال و سکونت شیطان در انتهای عالم است که همراه با رستاخیز مردگان و داوری نهایی است. سپس این زمین آتش می‌گیرد و زمین و آسمان جدید، به وجود می‌آید.^{۱۶}

فرازهای 24 و 25 بشارت در انجیل متی هم که از زبان مسیح بوده و از پیش‌گویی‌های سری و رمزآلود به شمار می‌رود، ناظر به پیش‌گویی تخریب اورشلیم است. این حادثه به صورتی رمزگونه به

آمدن دوباره مسیح و داوری عمومی و نهایی در پایان جهان اشاره دارد. شکی نیست در این که مسیح در این پیش‌گویی‌ها به اصل ویرانی اورشلیم اشاره کرده که به دست رومی‌ها اتفاق افتاد؛ زیرا در آن حادثه اشاره‌ای رمزآلود به ویرانی عالم هنگام آمدن مسیح است. فرازهایی در کتاب مکاشفه هم به غلبه عمومی انجیل در هزار سال و حبس شیطان در آن مدت باشکوه اشاره دارد و منظور از رستاخیز یا قیامت اول، برپایی دیانت مسیحی در عالم است.^{۱۷}

براساس آموزه‌های کتاب مقدس، رخدادهای آخرالزمان و بازگشت دوباره مسیح برای نجات‌بخشی، در چندین مرحله انجام می‌پذیرد که عبارتند از:

1. بازگشت اولیه مسیح یا آمدن مسیح به آسمان

این مرحله شامل ربودن مؤمنان کلیسای مسیحی و صعود آنان به آسمان است. در یک چشم‌به‌هم‌زدن، به صورت ناگهانی و بدون آگاهی قبلی، عیسی مسیح، آن‌هایی را که آماده بازگشت او هستند، می‌رباید و به آسمان می‌برد. پولس رسول در این باره می‌گوید:

همانا به شما سرّی می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد، در لحظه‌ای و طرفه‌العینی، به جهت نواختن صور اخیر؛ زیرا کرنا صدا خواهد داد و مردگان بی‌فساد برخوانند خاست و ما مقبول خواهیم شد؛^{۱۸} اما وطن ما در آسمان است که از آن‌جا نجات‌دهنده، یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم که شکل جسم ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسم مجید او مصور شود.^{۱۹}

البته هدف از این ملاقات در آسمان، دادرسی مؤمنان و پاداش دادن به آنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها و اموال و فرصتهایی است که به آن‌ها داده شده بود.^{۲۰}

2. دوران مصیبت عظیم

پس از مرحله اول ظهور مسیح و پیش از مرحله دوم آن، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیش‌گویی شده است. در این دوره که بنابر برخی اشاره‌ها هفت سال طول خواهد کشید،^{۲۱} چنان زمان سخت و تنگ خواهد شد که از هنگام پیدایش امت‌ها تا آن روز، همانندی نداشته است.^{۲۲}

هنری تیسن با استفاده از آموزه‌های کتاب مقدس، این دوران را چنین ترسیم می‌کند:

وقتی کلیسا ربوده شود، دیگر نمک و نور در جهان نخواهد بود. مدت کوتاهی پس از ربوده شدن کلیسا، تا زمانی که مردم به سوی خداوند بازگشت نکرده‌اند، بر روی زمین هیچ موجود نجات‌یافته‌ای وجود نخواهد داشت. روح‌القدس، خدمت بازدارنده خود را از جهان برخواید داشت. در آن زمان، فساد و ظلمت به سرعت زیاد خواهد شد. گناه همه‌جا را فرا خواهد گرفت و مرد

بی‌دین ظهور خواهد کرد. شیطان و فرشتگانش بر روی زمین قدرت زیادی خواهند داشت، ولی آمدن مسیح، مانعی را که در راه اشاعه بی‌دینی و برنامه‌های آخرالزمان وجود داشت، از میان خواهد برد.^{۲۳}

3. بازگشت ثانویه مسیح و سلطنت هزار ساله او بر زمین

بنابر آموزه‌های کتاب مقدس، هنگامی که سال‌های مصیبت بی‌سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح‌هایی از دهان اژدها، از دهان وحش و از دهان نبی کاذب بیرون می‌آیند و بر حاکمان مناطق مسکونی زمین خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» یا «آرماگدون» فراهم آورند.^{۲۴}

آنان جمع می‌شوند تا «اورشلیم» را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت درآورند.^{۲۵} ولی وقتی به پیروزی نزدیک شده‌اند، مسیح با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد کرد و در جنگ نهایی، پس از غلبه بر آنان، پیشوایانشان، گرفتار و به دریاچه آتش افکنده خواهند شد.^{۲۶}

سپاهیان آنان نیز با شمشیری که از دهان مسیح خارج می‌شود، کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید.^{۲۷}

این دوره، هزار سال به طول می‌انجامد و مسیح فرمان‌روای جهانی پرستش خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت.^{۲۸} شیطان و روح‌های شریر بسته می‌شوند و به مدت هزار سال در «هاویه» افکنده خواهند شد.^{۲۹}

بازتاب هزاره‌گرایی در تاریخ و الهیات مسیحی

در تاریخ کلام مسیحی، تلاش برای تفسیر آیات اول تا دهم باب بیستم از کتاب مکاشفه و معنای هزاره، موجب بروز سه نظریه شده است:

1. «پیشاهزاره‌گرایی»^{۳۰} که تعلیم می‌دهد مسیح برای نجات بشریت از شر، به زمین رجعت می‌کند و برای هزار سال بر زمین حکومت خواهد کرد.
2. «پساهزاره‌گرایی»^{۳۱} که می‌آموزد پیش از رجعت مسیح در یک دوره واقعی یا سمبلیک که هزار سال به طول خواهد انجامید، کلیسا بر شر پیروز خواهد بود.
3. «ناهزاره‌گرایی»^{۳۲} که بیان می‌کند هزاره یا امری تمثیلی است، یا این که تحقق یافته است و به بهشت دلالت دارد که در آن ارواح رحلت کرده با مسیح حکمرانی کنند.

باید توجه داشت انتظار مسیحی ناظر به آخرالزمان تحت تأثیر نوع یهودی آن بوده است. از زمان کتاب مکاشفه، و تحت تأثیر مفهوم «پادشاهی خداوند» و «اورشلیم نو» در کتاب دانیال، و به خصوص مفاهیم پادشاهی هزار ساله مسیح در کتاب مکاشفه، ایده پادشاهی زمینی عیسی مسیح و بازگشت فیزیکی او دارای طرفداران عمده‌ای در میان آبابی اولیه کلیسا بود.

«قدرت هزاره‌گرایی قرن دوم از این واقعیت آشکار می‌شود که دو تن از مهم‌ترین نویسندگان مسیحی آن عصر از طرفداران استوار در محوریت این باور در ایمان مسیحی بودند. ژوستین شهید (165م)، معلم شرق مدیترانه‌ای که به رم آمد، باور داشت که مقدسان، از مرگ برخاسته و همراه با مسیح در یک اورشلیم احیا شده برای هزار سال حکومت خواهند کرد. ایرنائوس (200م) که در آسیای صغیر به دنیا آمد و بزرگ شد، اما نهایتاً اسقف لیون در گال شد نیز یک هزاره‌گرایی معتقد بود.»^{۳۳} آبابی دیگری هم‌چون ترتولیان، لاکتانئوس و سپیریان نیز باورهای هزاره‌گرایانه داشتند.^{۳۴} برخی از مدافعان این باور همانند سرینتوس بعدها به مثابه بدعت‌گذار طرد شدند.^{۳۵}

از پایان قرن دوم میلادی و با تأخیر طولانی در بازگشت مسیح، هزاره‌گرایی در میان مسیحیان بسیاری مسأله‌دار شد و لذا کتاب مکاشفه نیز گاهی زیر سؤال رفت و از طرفی نیز تفاسیر روحانی بر آن شروع شد. تفسیر اوریجن اسکندرانی (254م) گرچه کامل نشد، اما او از پیش‌گامان روحانی‌سازی این کتاب بود. حتی آنانی که به پادشاهی به معنای تحت‌اللفظی آن باور داشتند، همانند متدیوس اهل الیمپوس و ویکتورنیوس اهل پتاو که کهن‌ترین تفسیر موجود بر کتاب مکاشفه را نوشت، آن دیدگاه‌های مادی موجود در قرن دوم میلادی را رها کردند.

در قرن چهارم میلادی که موضع دین مسیحی از یک دین تحت فشار و آزار به یک دین تحت مدارا و بلکه پیروزمند تغییر یافت، متون مربوط به آخرالزمان و پادشاهی هزاره‌ای از مُد افتاده محسوب شدند. اما گرایش مزبور همچنان وجود داشت. مثلاً لاکتانئوس (250-320م) یکی از مفصل‌ترین کتاب‌ها را در این باره نوشت.

در پایان قرن چهارم، عالمان مسیحی به فهم تحت‌اللفظی پادشاهی هزاره‌ای و آمدن عیسی مسیح شدیداً اعتراض کردند. بارزترین چهره‌ای که به مقابله با فهم تحت‌اللفظی کتاب مکاشفه پرداخت، آگوستین (430م) بود. او «وظیفه بازاندیشی جامع در دیدگاه مسیحی ناظر به تاریخ و اجتماع را به عهده گرفت. نقطه محوری این موضع نه‌تنها طرد دیدگاه سیاسی نویسندگانی همانند اوسیبیوس و امبروس بود که سرنوشت رم و مسیحیت را به یک‌دیگر پیوند می‌دادند و وعده‌های مسیحایی را بر حسب امپراتوری رومی مسیحی تفسیر می‌کردند، بلکه هم‌چنین حمله مستقیم به هر نوع الهیات ناظر

به آخرالزمان بود که اعتقاد داشت آخرین کتاب **عهد جدید** می‌تواند به مثابه الگویی برای تفسیر جریان تاریخ و آخرالزمان به کار گرفته شود.^{۳۶} او دو قرائت روحانی بدیل از حکومت هزاره‌ای موجود در فصل بیستم کتاب مکاشفه ارائه داد: هزار سال حکومت مسیح، یا به معنای کام‌یابی مسیحیت در راندن پلیس‌دی و شیطانی و زندانی کردن آن در قلب‌های بدکاران در همان دوره اولیه تاریخ مسیحیت بود، و یا به معنای تمام سال‌های جهان پس از مسیح است؛ چرا که زمان تمام و کمال، ممکن است با یک عدد کامل (مثل هزار) بیان گردد. «بنابراین، کلیسا حتی هم‌اکنون نیز در پادشاهی مسیح و پادشاهی آسمان است. و لذا هم‌اکنون مقدسین همراه او حکومت می‌کنند، گرچه متفاوت از آن‌چه که در جهان دیگر خواهند کرد».^{۳۷}

مخالفت آگوستین و سایر مراجع کلیسای کاتولیک، مانع از فهم تحت‌اللفظی باب بیستم کتاب مکاشفه تا هزار سال بعد، دست‌کم در جهان لاتین شد. با این حال هزاره‌گرایی به معنایی عام و انتظار نوعی سعادت زمینی در دنیای لاتین نیز وجود داشت.

در قرون وسطا دو شکل از هزاره‌گرایی به وجود آمد که به نظر یکی از نویسندگان مسیحی می‌توان آن‌ها را با نام‌های هزاره‌گرایی پیشا - ضد‌مسیح و پسا - ضد‌مسیح از یک‌دیگر بازشناخت.^{۳۸} ایده هزاره‌گرایی پیشا - ضد‌مسیح اولین بار در کتاب الهامات، مطرح شد. این کتاب منسوب به اسقف متدیوس شهید، اهل پاتاراست، ولی شاید بتوان گفت در اصل در شمال بین‌النهرین در حدود سال 690 میلادی نوشته شده است. در این کتاب یک امپراتور رومی پیروزمند پیش‌گویی شده بود که بر مسلمانان غلبه می‌کرد و صلحی را که در گذشته و آینده نظیر نداشت، برقرار می‌ساخت. حکومت او هفت سال و نیم طول می‌کشید و در نهایت تاج سلطنت را در بالای کوه زیتون به خدا تحویل می‌داد. در این زمان ضد‌مسیح^{۳۹} ظاهر می‌شود و دوره رنج و آزار چهل و دو ماهه آغاز گشته و سپس جهان به پایان می‌رسد.^{۴۰} این اثر آشکارا در جهت تقویت امپراتوری بیزانس در برابر مسلمانان نوشته شد.

هزاره‌گرایی پسا - ضد‌مسیح مبتنی بر فهمی از کتاب دانیال، باب دوازدهم و آیات 11 - 12 است. در آن‌جا از یک دوره 1290 روزه از زمان «منع قربانی» در معبد یاد شده است که در **عهد جدید** (متی 24:15) آن را با ضد‌مسیح یکی گرفتند. لیکن دانیال پس از آن پیش‌گویی می‌کند که هر کس مؤمن باقی بماند، پس از 1335 روز سعادت‌مند خواهد شد. مابه‌التفاوت این دو عدد، رقم 45 است که مفسران مسیحی آن را به مثابه یک دوره نجات پس از ضد مسیح فهم کردند. در قرن نهم هیمو

اهل آکسر در تفسیرش بر عهد جدید مدعی شد این مدت را نباید تحت‌اللفظی فهم کرد، بلکه منظور دوران نامحدود پس از ضد‌مسیح است.

از چهره‌های بسیار معروف در هزاره‌گرایی کلیسای کاتولیک، یوآخیم اهل فیوره (1135 - 1202م) است. او نخستین کسی است که برخی از آن آمال معتدل را در قالب یک الهیات تاریخی درآورد. او از هزاره‌گرایی پیشا - ضد‌مسیح بهره‌ن جست و امپراتوری حاضر و آینده را نمایندگان شیطان می‌دانست. قرائت جدیدی از هزاره‌گرایی پسا - ضد‌مسیح که نه بر دانیال، بلکه بر کتاب مکاشفه مبتنی بود، توسط او ارائه شد. در نظر او، آگوستین در طرد فهم دنیوی از هزاره مسیح و این‌که نباید آن را تحت‌اللفظی فهم کرد محق بود، اما در این‌که باب بیستم از کتاب مکاشفه یک آینده بهتر را برای کلیسا پیش‌گویی نمی‌کند، در اشتباه بود. او سه دوره نجات برای تاریخ کلیسا و مسیحیت قائل می‌شود: دوره پدر، دوره پسر و دوره روح‌القدس. در نظر او دوره آینده که دوره‌ای بهتر برای کلیساست و دوره صلح رهبانی پس از شکست ضد مسیح است، دوره روح‌القدس نام دارد.^{۴۱} نهاد پاپ در هزاره‌گرایی یوآخیم هم دارای نقش مثبت و هم منفی بود. از طرفی امید به آمدن یک رهبر جدید مانند پاپ را در پایان دوره دوم و پیش از شروع دوره سوم القا می‌کند و از سویی، بنابر برخی گزارش‌ها او می‌ترسید که مبدا ضد مسیح همین الان به دنیا آمده باشد و مقر پاپ را غصب کند.

اندیشه یوآخیم به‌ویژه بر مسیحیان فرانسیسکنی تأثیر نهاد. جان الیوی در تفسیرش بر کتاب مکاشفه در سال 1297 میلادی آرای یوآخیم را به کار می‌برد. او در باب بیستم، همانند یوآخیم، یک دوره قریب‌الوقوع را که در نظر او دوره فرانسیسکنی است، پیش‌گویی می‌کند و طول این دوره را هفتصد سال می‌داند. هزاره‌گرایی الیوی هم‌چنان رهبانی بود. کمی پس از او یک اثر که به صورت نام مستعار به یوآخیم نسبت داده شده بود، امید به نجات معنوی را با نیت آخرین پادشاه پیوند زد تا یک هزاره‌گرایی سیاسی‌تر به وجود آید.^{۴۲} از قرن چهارم تا شانزدهم، گرچه هزاره‌گرایی‌های دنیوی به معنای مادی نبود، اما به طور فرآیندهای این جهانی و سیاسی بود. برخی وقایع دینی و غیردینی از علایم فرا رسیدن روز داوری محسوب می‌شد، از جمله: اصلاح در ریاست و اعضای کلیسا، اتحاد کلیسای شرق با کلیسای رم، صلح در ایتالیا، جنگ صلیبی و فتح ارض مقدس، و مسیحی شدن یهودیان و مسلمانان. برخی وقایع ناگوار مثل شقاق بزرگ غربی (1378 - 1415م) باعث شد تا آن دوره را دوره ضد‌مسیح بدانند و منتظر آخرین امپراتور که غالباً شارلمانی دوم خوانده می‌شد، باشند.

در قرن پانزدهم و شانزدهم و حتی پیش از شکل‌گیری نهضت‌های هزاره‌گرایی پروتستانی، گرایش به هزاره‌گرایی در جامعه مسیحی شدت یافت. عللی را برای این تشدید گرایش ذکر می‌کنند که در

مجموع می‌توان به عوامل مثبت و عوامل منفی تقسیم‌بندی کرد. برخی از مهم‌ترین عوامل مثبت رشد هزاره‌گرایی در آن دوره عبارتند از شیفتگی متفکران رنسانس نسبت به سنت‌های کلاسیک مربوط به بازگشت عصر طلایی و نیز، کشف مناطق جغرافیایی جدید و گسترش اروپا به مثابه گسترش جهان مسیحی یا اعلام پیام عیسی مسیح به اقوام دیگر که پیش‌نیاز فرارسیدن جهان بهتر بود. از جمله این افراد، کاشف مشهور کریستف کلمب است که در نامه‌های اکتشافش و به‌خصوص در کتاب *نبوت‌ها* یش که به کمک یک راهب کارتوزیانی نوشت، آشکارا از مفاهیم ناظر به آخرالزمان بهره می‌برد و کشف دنیای جدید را به مثابه دروازه‌ای به سوی فتح مجدد اورشلیم می‌دانست که می‌بایست توسط پادشاهی اسپانیا به مانند آخرین امپراتور جهان تحقق یابد.^{۴۳}

عوامل منفی که جنبه فاجعه‌آمیز و احياناً منتسب به ضد‌مسیح داشتند، خود از دو دسته عوامل جزئی و عوامل کلی تشکیل می‌شوند. عوامل جزئی دربرگیرنده حوادثی مثل هجوم چارلز هشتم به ایتالیا در 1494 و غارت رم در 1527 میلادی است. عوامل کلی نیز عبارتند از بحران‌های رو به تزاید عصر جدید، خطر روزافزون امپراتوری ترک و نهضت اصلاح‌گری.

فتح قسطنطنیه در 1453 میلادی توسط ترک‌ها و پیش‌رفت آن‌ها به طرف اروپا، باعث زنده شدن دوباره باور به آخرین امپراتور جهان شد و پیش‌گویی‌هایی درباره غلبه چهره‌ای شبه‌مسیحی بر ترک‌ها به وجود آمد. برای مثال یک کشیش آلمانی به نام ولفگانگ آیتینگر در سال 1496 میلادی پیش‌گویی کرد که ترک‌ها در سال 1506 میلادی توسط آخرین امپراتور شکست خواهند خورد؛ اما او درباره این‌که چه کسی آخرین امپراتور خواهد بود، بین فیلیپ اهل بورگوندی و لادیسلاوس اهل لهستان مردّد بود. اثر دیگری که در آن دوره به این موضوع می‌پردازد، تفسیری از آنیوس اهل ویترو بر کتاب مکاشفه است که در نظر او پانزده باب اول آن پیش‌گویی وقایع جهان و کلیسا تا سقوط قسطنطنیه است که در آن پیامبر اسلام ﷺ را ضد‌مسیح معرفی می‌کند. باب‌های 16 و 17 پیش‌گویی پیروزی‌های ترک‌ها، و باب‌های 18 و 19 درباره تعیین یک امپراتور پیروزمند توسط پاپ و پیروزی او بر ترک‌هاست. باب 20 پیش‌گویی حکومت هزارساله کلیسا بر جهان است.^{۴۴}

بازتاب هزاره‌گرایی در نهضت اصلاح دینی و تفکر غرب

نهضت اصلاح‌گری، هم‌چنان که خود از گرایش‌های هزاره‌گرایانه بهره می‌برد، عاملی برای رشد این عواطف و گرایش‌ها در میان کاتولیک‌ها نیز محسوب می‌شد. آنتی‌کرایست^{۴۵} خواندن پاپ یا نهاد پاپی توسط لوتر و دیگر پروتستان‌ها، باعث شد تا کاتولیک‌های آخرالزمان‌باور نیز وقایع را در پرتو

همین باور مشاهده کنند و مثلاً جدایی از رم را نشانه‌ای منفی از پایان جهان قلمداد نمایند و یا مثلاً لوتر را متقابلاً ضد مسیح یا پیش‌آهنگ او ببینند.

بر خلاف کلیسای کاتولیک که مراجع رسمی‌اش از دوره آگوستین به بعد فهم تحت‌اللفظی، یا حتی نزدیک به آن را طرد می‌کردند، رهبران نهضت اصلاح‌گری و کلیسای پروتستان، خود از خود‌گرایش هزاره‌گرایانه نشان دادند. لوتر با آن که در سال 1522 تفسیر آگوستین را پذیرفت، «اما در 1545 میلادی پذیرفت که کتاب‌های دانیال و مکاشفه نبوت‌های حقیقی، گرچه مبهم، تاریخی هستند، و این که پادشاهی چهارم و جانور هر دو همان نهاد پاپی به شمار می‌روند».^{۴۶} او هزار سال حکومت مسیح را تحت‌اللفظی فهم می‌کرد، اما می‌گفت از زمان خود او شروع شد و به پایان رسیده است. کالون همانند لوتر، نهاد پاپی را ضد مسیح فهم می‌کرد، اما بر خلاف لوتر و بسیاری دیگر از رهبران پروتستان پیش‌تر نرفت و قائل به تفسیر تحت‌اللفظی حکومت هزاره‌ای نشد. عوامل چندی در موردپسند واقع شدن این دیدگاه برای عموم مردم دخیل بودند؛ یکی از این عوامل، توجه کردن و تنبیه دادن پروتستان‌ها نسبت به متون مقدس به جای سنت کلیسایی بود که به بازبینی ارتدوکسی آگوستینی منجر شد. از طرفی «خود لوتر، تحت تأثیر لالارد و هوسپته بود؛ زیرا آن‌ها از بسیاری جهات نسبت به او در این دیدگاه پیش‌رو محسوب می‌شدند».^{۴۷} توجه نویسندگان رنسانس به مدل چرخه‌ای تاریخ و در پی آن توجه به تصویر دانیال از ظهور و افول پادشاهی، یکی دیگر از عوامل مقبول واقع شدن هزاره‌گرایی در میان پروتستان‌ها بود. هم‌چنین اثبات ضد مسیح بودن پاپ برای طرفداران اصلاح‌گری تبلیغ خوبی به حساب می‌آمد.

نکته مهم و جالب توجه در پروتستان‌تیزم تبدیل هزاره‌گرایی از صورت صرفاً اعتقادی یا امیدگونه به صورت سیاسی و تشکیل نهضت‌های عمل‌گرا بود. پیش از شکل‌گیری پروتستان‌تیزم می‌توان میان دو نوع هزاره‌گرایی تمایز قائل شد؛ یکی هزاره‌گرایی خواص که توسط فرهیختگانی همانند یوآخیم اهل فیوره شکل می‌گرفت و قالبی الهیاتی داشت و دیگری هزاره‌گرایی عوام که مبتنی بر متون کلاسیک نبود، بلکه حاصل ادبیات شفاهی کلیسا بود و مخاطبان بیش‌تری نیز داشت. پیامبران، این نوع هزاره‌گرایی را هنگام وقوع جنگ‌ها و به واسطه اختربینی‌ها نبوت می‌کردند؛ اما پروتستان‌تیزم هزاره‌گرایی را انقلابی کرد و در واقع، پلی میان هزاره‌گرایی خواص و عوام شد. وقتی نهاد پاپی تبدیل به ضد مسیح شد، کلیسا دیگر نتوانست نیروهای هزاره‌گرا را مهار کند. از طرفی نیز با تبلیغ کشیش بودن تک‌تک افراد و شایستگی همگان برای مطالعه متون مقدس، انببای زن و مرد بسیاری پیدا شدند که آینده را پیش‌گویی می‌کردند. ترجمه متون مقدس به زبان‌های محلی توسط پروتستان‌ها باعث شد که نبوت عامیانه نیروی جدیدی برای تجویز خود پیدا کند. در نتیجه رؤیاهای هزاره‌گرایانه،

ابزاری برای نهضت‌های سیاسی و اجتماعی گسترده‌تر شد؛ نهضت‌های ملی در امریکا، انقلاب فرانسه و سوسیالیسم ملی در آلمان از این فضا بهره گرفتند؛ به‌گونه‌ای طنزآلود به نهضت‌های ضد امپریالیستی و ضد غربی در کشورهای مثل چین در قرن 19 و 20 میلادی کمک کرد؛ اتوپیا باوری موجود در آن موجب نهضت‌های بازآیایی اجتماعی در سراسر اروپا شد و بالأخره مارکسیسم و کمونیسم گرچه الحادی بودند، اما از رؤیای برابری اجتماعی همگانی موجود در هزاره‌گرایی پروتستانی اثر پذیرفتند.^{۴۸}

در سوی دیگر، صهیونیسم سکولار، نجات باوری دینی - قومی یهودیان را به نجاتی قومی - سیاسی تقلیل داد، اما به جهت آن که دین و قوم یهود طی قرن‌های متمادی به شدت در یک‌دیگر تنیده‌اند، این نجات‌گرایی نیز به طور طبیعی دارای گرایش‌های مسیحاگرا، آمال‌اندیش و لذا تبعیض‌آمیز شد. مارکس که خود و خانواده‌اش از تبعیض رنج می‌بردند و آن را برخاسته از جامعه کاپیتالیست اطرافش می‌دید، می‌خواست فلسفه نجاتی ارائه کند که فرجامین باشد؛ اما این فلسفه نیز در فضای آرزواندیشی شکل گرفت؛ خود را راه حل آخر در زمان آخر دید؛ به جزمیت در طبقه‌بندی اجتماع گرایید و منجر به همان تبعیضی شد که در برابرش برخاسته بود.

مارکسیسم آخرین نقطه مسیحا باوری سکولار نبوده است. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بی‌رونق شدن کمونیسم و فلسفه مارکسیسم، باز هم در جامعه غرب که نمایندگی فرهنگ یهودی - مسیحی را بر عهده دارد، اندیشه‌های ناظر به آخرالزمان و پایان تاریخ ظهور و بروز دارند. از جمله بارزترین این اندیشه‌ها، نظریه پایان تاریخ و جنگ تمدن‌های هانتینگتن است که لیبرالیسم را شکل پایانی جامعه بشری می‌داند. این اندیشه، به یک‌دست‌سازی جوامع بشری گرایش دارد و در نظر هانتینگتن، مخالفت تمدن‌های دیگر با این یک‌دست‌سازی به جنگ تمدن‌ها منجر خواهد شد. عینیت یافتن این اندیشه در نظام سیاسی امریکایی تحت نومحافظه‌کاران و حتی گاهی تلفیق آن با مفاهیم و گرایش‌های دینی برخی اعضای آن منجر به آن شده است که جامعه بشری با یک تقسیم دوتایی به خیر و شر تقسیم می‌شود. جهانی‌شدن فرهنگ‌ها یک حرکت طبیعی است که شروع آن به یک معنا به دوره باستان و زمان آشنا شدن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از یک‌دیگر بازمی‌گردد. این روند، گرچه در دنیای مدرن و به‌خصوص عصر ارتباطات شدت گرفته است، اما روندی است و در واقع می‌بایست روندی باشد که اولاً طبیعی و بدون دخالت نیت‌های ثانوی برتری‌جویی فرهنگی بماند، و ثانیاً چندجانبه و همیشگی است؛ یعنی در جریان طبیعی آشنایی فرهنگ‌ها و داد و ستد ارزش‌ها هیچ‌گاه نمی‌توان از برتری و به‌ویژه برتری همیشگی سخن گفت. این جریان حتی اگر به صورت طبیعی به

طرف یک فرهنگ مشترک انسانی حرکت کند، آن فرهنگ بشری آن قدر کلی خواهد ماند که ذیل آن تنوع خرده‌فرهنگ‌ها همواره باقی بماند. سیر به سوی فرهنگ یگانه بشری، سیری است که هرگز مدار آن با صفر مماس نخواهد شد.

جهانی‌سازی، یک نسبت ثانوی در پس روند طبیعی جهانی شدن فرهنگ‌هاست که صاحبان یک فرهنگ و تمدن با حس برتری‌جویی خواستار آن هستند. این نیت حتی اگر با حس برتری‌طلبی هم نباشد، تعجیل در تحقق چیزی است که جز شکل طبیعی و فرآیندگونه آن مطلوب نیست. عمل‌گرایان در این‌جا نیز همانند عمل‌گرایان در عرصه مسیحی‌باوری دینی، می‌خواهند زمان نجات را به گمان خودشان جلو بیندازند، اما این کار، بنابر درس تاریخ، اولاً موجب رنج و زحمت جامعه بشری و ثانیاً ناکامی خودشان می‌شود. باورهای جوامع و مردمان با دستورالعمل‌های سیاسی قابل تغییر و اصلاح، آن هم در کوتاه‌مدت نیست. این نوع اندیشه، بنابر تجربه‌های معدود، اگر به نتیجه نیز برسند، سرانجامی پر رنج‌تر از گذشته دارند. ظهور و افول مارکسیسم درس‌های بسیاری برای نظریه‌های رقیب آن داشت که گویا غرور کاذب پیروزی مانع از فهم آن شده است.

بازتاب‌های هزاره‌گرایی انحرافی در تاریخ معاصر

سکولار شدن جریان غالب در غرب مسیحی به معنای از بین رفتن آخرالزمان‌باوری به مفهوم ارتدکسی و سنتی - دینی آن و انتظار برای آمدن دوم مسیح نشده است. در آستانه فرا رسیدن سال 2000 میلادی، میلیون‌ها انسان زائر به اورشلیم سفر کردند که امید به آمدن عیسی مسیح در آنان درجات مختلفی داشت. مراجع یهودی در ماه‌های منتهی به آغاز هزاره سوم از «سندرم اورشلیم» سخن گفتند، و وزیر بهداشت اسرائیل درباره برنامه نیروهای وزارت‌خانه‌اش برای کمک‌های روان‌پزشکی به حدود 4000 زائر مسیحی در سال 1999 میلادی که مبتلا به «جنون مسیحایی» بودند سخن گفت. بسیاری از زائران منتظر پایان جهان بودند. حدود صد مسیحی از امریکای شمالی در نزدیکی کوه زیتون خانه اجاره کردند تا برای «ایام آخر» مهیا باشند. پلیس اسرائیل اعضای یک فرقه مسیحی امریکایی را به نام «مسیحیان دل‌نگران» دستگیر کرد که قصد داشتند به اعمال افراطی دست بزنند تا آمدن دوم مسیح تسریع شود. در میان وسایل توقیف شده آنان، یک جزوه 20 صفحه‌ای وجود داشت که درباره پیش‌گویی زمان آمدن مسیح بود و عکس‌هایی از زمین‌لرزه و سایر فجایع طبیعی و انسانی نیز در آن به چشم می‌خورد.^{۴۹}

شور و هیجان انتظار بازگشت عیسی مسیح، در حدود سال 1000 میلادی بالا گرفت. گروهی از مردم زندگی خود را تغییر داده، اموالشان را به فقرا بخشیدند. آنان از هر نظر آماده استقبال از عیسی بودند، ولی سال 1000 میلادی به آرامی گذشت. این منتظران دوباره خود را برای سال 1500 میلادی آماده کردند که آن سال نیز بدون هیچ رخدادی پایان یافت.^{۵۰}

در آستانه سال 2000 میلادی نیز مسیحیان منتظر، به‌ویژه در ایالات متحده امریکا، فرقه‌های مذهبی عجیب و غریبی درست کرده و به رسوم و آیین‌های شگفت‌آوری روی آورده بودند. برخی از اعضای این فرقه‌ها برای پیوستن به عیسی مسیح خودکشی کردند. فرقه‌هایی نیز از پیام‌های «بانوی فاتیما» در 1917 میلادی الهام گرفتند. رسانه‌ها نیز مسائل و بحران‌های این فرقه‌ها را گزارش می‌کردند و طبعاً برای فرارسیدن زمان نومییدی و سرخوردگی آنان پس از سال 2000 باید منتظر اخبار اندوه‌باری باشیم.

درست در همین سال‌ها بود که در ایالات ماساچوست امریکا، مرکزی به نام مطالعات هزاره‌ای^{۵۱} به پژوهش در این امور پرداخت. سایت کامپیوتری این مرکز، یک ساعت و تقویم الکترونیک کم‌شونده را به کار گرفته بود که به سوی ساعت صفر ظهور، یعنی آغاز سال 2000 میلادی حرکت کرد و نشان داد که چند روز و چند ساعت و چند دقیقه و چند ثانیه تا آمدن عیسی مسیح باقی مانده است. مانند این ساعت‌ها و تقویم‌های کم‌شونده، در برخی از چهارراه‌های شهرهای بزرگ در کشورهای مسیحی نیز به شکل تابلوهایی بزرگ، نصب شده بود. این نمونه‌ها گویای این مسئله است که هزاره‌گرایی و بازگشت مسیح از آموزه‌های تأثیرگذار در تاریخ مسیحیت بوده است.

نتیجه

دیدیم که در مسیحیت، آموزه هزاره و هزاره‌گرایی ریشه در کتاب مقدس دارد و هرچند تفاسیر بسیاری از آن ارائه شده باشد، ولی این اختلاف در رویکرد تفسیری باعث نمی‌شود تا اصالت آن خدشه‌دار گردد. هزاره‌گرایی را باید در قالب آموزه کتاب مقدسی دیگری به نام بازگشت مسیح در آخرالزمان فهم کرد که طبق آن سلطنت مسیح هزار سال به طول خواهد انجامید یا این‌که شیطان هزار سال در بند خواهد شد و آن‌گاه مسیح خواهد آمد. هرچند برخی ادبیات مکاشفه‌ای آخرین کتاب *عهد جدید*، یعنی مکاشفه یوحنا را بر این حمل نموده‌اند که شاید مراد از هزار در این پیش‌گویی‌ها مفهوم عددی آن نباشد، ولی رخدادهای تاریخ مسیحیت نشان داده است که این مفهوم از آموزه‌های

اثرگذار در تاریخ مسیحی بوده است. گفتیم که برداشتهای متفاوت از آیات کتاب مقدس باعث گردید تا در تاریخ و کلام مسیحی، تلاش برای تفسیر آیات اول تا دهم باب بیستم از کتاب مکاشفه و معنای هزاره، موجب بروز سه نظریه شده است:

نخست، «پسahزاره‌گرایی» که معتقد است، پیش از بازگشت مسیح در یک دوره واقعی یا سمبلیک که هزار سال به طول خواهد انجامید، کلیسای مسیحی بر بدی پیروز خواهد بود؛ دوم، «پیشاهزاره‌گرایی» که طبق آن مسیح برای نجات بشریت از بدی‌ها، به زمین رجعت می‌کند و برای هزار سال بر زمین حکومت خواهد کرد و در نهایت، «نا هزاره‌گرایی» که هزاره را یا امری تمثیلی می‌داند و یا آن را تحقق یافته می‌پندارد. به هر روی، این برداشتهای در طول تاریخ باعث بروز اختلافاتی نیز گردیده که به صورت گذرا از آن عبور کردیم.

هرچند مخالفت آگوستین و به تبع آن کلیسای کاتولیک با معنای تحت‌اللفظی هزاره باعث شد تا برای مدت زیادی در این حوزه تحرک خاصی صورت نپذیرد، ولی در قرون اخیر شاهد آن هستیم که این آموزه چگونه مورد توجه قرار گرفته، به طوری که تفاسیر تحت‌اللفظی آن، گاه تا مرز انحرافات و آسیب‌های منجی‌گرایانه نیز پیش می‌رود و گروه‌ها و جنبش‌های هزاره‌گرا فعالیتی گسترده دارند.

منابع

1. *آشنایی با ادیان بزرگ*، حسین توفیقی، تهران، انتشارات سمت، 1384 ش.
2. *آشنایی با مسیحیت*، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، انجمن معارف اسلامی ایران، 1384 ش.
3. *آیین پروتستان*، جی. لسلی دانستن، ترجمه: عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مؤسسه آموزشی امام خمینی علیه السلام، 1381 ش.
4. *الهیات مسیحی*، هنری تیسن، ترجمه: ط. میکائیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی، 1356 ش.
5. *تاریخ تفکر مسیحی*، تونی لین، ترجمه: روبرت آسریان، تهران، نشر و پژوهش فروزان روز، 1380 ش.
6. *تاریخ تمدن*، ویل دورانت، ترجمه: جمعی از مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، 1370 ش.
7. *جهان مسیحیت*، اینار مولند، ترجمه: محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1368 ش.
8. *دایرةالمعارف فارسی*، غلامحسین مصاحب، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، 1380 ش.
9. *درآمدی به مسیحیت*، مری جو دیور، ترجمه: حسن قنبری، قم، انتشارات دانشگاه و مذاهب، 1381 ش.
10. *فرهنگ ادیان جهان*، جان آر. هیلنز، ترجمه: گروه مترجمان، ویراستار: ع. پاشایی، قم، دانشگاه ادیان، 1386 ش.
11. *فرهنگ واژه‌ها*، عبدالرسول بیات و همکاران، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، 1381 ش.
12. *کتاب مقدس (ترجمه تفسیری)*، تهران، انجمن بین المللی کتاب مقدس، 1995 م.
13. *کتاب مقدس*، تهران، انجمن کتاب مقدس ایران، بی تا.
14. *کلام مسیحی*، توماس میشل، ترجمه: حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، 1387 ش.

15. *المجيب الثاني و نهاية التاريخ*، الكامل صبحى، بيروت، دارالمشرق، 1996م.
16. *معجم الايمان المسيحي*، صبحى حمودى، بيروت، دارالمشرق، 1994م.
17. *نظام التعليم فى علم اللاهوت القويم*، جيمس انس الاميركانى، ج 1 و 2، بيروت، مطبعة الاميركان، 1890م.
18. (CCC): Catechism of the Catholic Church, Veritas, Irland, 1994.
19. (OCB): The Oxford companion to the bible, oxford university press, London, 1993.
20. (ODCC): CROSS, F.L. The Oxford Dictionary of The Christian Church, oxford university press, London, 1957.
21. app, B. S., The Fifth Monarchy Men, Blackwell publishing usa, 1997.
22. Eliade, Mircea, The Encyclopedia of Religion, Macmillan ,New York 1987.
23. Encyclopedia of Millennialism and Millennial Movements, Routledge, New York, London, 2000.
24. Harrison J. F. C., The Sechond Coming, Routledge and Kegan Paul, 1979.
25. Hinnells R. John, A New Dictionary of Religions, Blackwell publishing, usa, 1984-1995.
26. Hunt Stephan (ed.), Christian Millenarianism, Indiana University Press, 2001.
27. Kottman Karl A (ed.), Catholic Millenarianism, Kluwer Academic Publishers, Boston, 2001.
28. Kottman Karl A (ed.), Catholic Millenarianism: From Savonarola to The Abb Gregoire, Kluwer Academic Publishers, Boston, 2001.
29. Robert E. Lerner, “The Medieval Return to Thousand – Year Sabath” in The Apocalypse in The Middle Ages, New York, London, 2004.
30. Sharma Amrita, Dictionary of Religions, New Dalhi, 1999.

پی نوشت‌ها

* پژوهش گر گروه ادیان مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) و دانش پژوه سطح چهار مؤسسه بین المللی مطالعات اسلامی.

1 .Eschatological Things

۲. الهیات مسیحی، ص 348.

۳. معجم الايمان المسيحي، ص 60 و نیز: The Encyclopedia of Religion, P252.

۴. نظام التعليم في علم اللاهوت، ج 2، ص 508.

۵. المجيئ الثاني و نهاية التاريخ، ص 126.

۶. الهیات مسیحی، ص 348.

۷. همان.

8 .The Encyclopedia of Religion, P252.

۹. الهیات مسیحی، ص 348.

10. Porter E. Stanley, "Mellenarin Thought in the First – Century Chuch" in Christian Millenarianism, p. 76.

۱۱. تاریخ تمدن، ج 3، ص 695.

۱۲. آشنایی با مسیحیت، ص 83 و 84.

۱۳. کتاب مقدس، عهد جدید، مکاشفه یوحنا.

۱۴. مکاشفه 20: 2-7.

15 .Second coming .

۱۶. نظام التعليم في علم اللاهوت القويم، ج 2، ص 509.

۱۷. همان، ص 508.

۱۸. اول قرن تیان 15: 51-52.

۱۹. فیلیپیان 3: 20-21.

۲۰. متى 14: 25-30؛ لوقا 19: 11-27؛ دوم تسالونیکیان 2: 6-8.

۲۱. دانیال 9: 27-23.

۲۲. دانیال 12: 1.

۲۳. الهیات مسیحی، ص 339.

۲۴. مکاشفه 16: 13-17.

۲۵. زکریا 12: 1، 13: 1 و 14: 2.

۲۶. مکاشفه 9: 1-10 و 19: 19 و مزامیر 2: 3.

٢٧. دوم تسالونيكيان 1: 12-1، مكاشفه يوحنا 19: 15.

٢٨. مزامير 72-6-11.

٢٩. مكاشفه 20: 3-1.

30 .Pre-millennialism.

31 .post-millennialism .

32 .A-millennialism .

33. McGinn, B., "Forms of catholic Millenarianism: A Brief Overview" in Catholic Millenarianism, p. 2.

34. See: Capp, B. S., The Fifth Monarchy Men, p. 23.

35. McGinn, B., Form of Catholic Millenarianism, p.2.

36 .MacGinn, B., "Forms of catholic Millenarianism: A Brief Overview" in Catholic Millenarianism, p. 3.

37 .Augustine, De civitate Dei 20:9. Qouted in Froms of Catholic Millenarianism, p. 3.

38 .See: Robert E. Lerner, "The Medieval Return to Thousand – Year Sabath" in The Apocalypse in The Middle Ages, pp. 51-71.

39 .Anti Christe .

40. See: Pseudo-Methodious, verse 13, qouted in MacGinn B. , Forms of Catholic Millenarianism, p. 4.

41. See: McGinn B., The calabrian Abbot: Joachim of Fiore in the History of Western Thought, pp. 154-55.

42 .McGinn B., "Froms of Catholic Millenarianism" in Catholic Millenarianism, p. 6.

43 .See: Christopher Columbus, Book of Prophecies, with Introduction by Roberto Rusconi..

44 .McGinn, B., "Froms of Catholic Millenarianism: A Brief Overview" in Catholic Milleranianism, p. 8.

45 .Anti Christe.

46 .Capp, B. S., The Fifth Monarchy Men, p. 24.

47 .Ibid, p. 24.

48 .See: David L. Rowe, "Protestantism", in Encyclopaedia of Millennialism, p. 341.

49 .Hunt Stephan, Christian Millenarianism, p. 1.

50 .Ibid'

51 .Center for Millennial Studie (CMS) .